او کارتن خواب نیست... پزشک است!

ماجرای مردی که با لباس مبدل به میان بی خانمان‌ها می‌رود و به درمان آنها می پردازد و بانی جنبشی برای درمان و مراقبت از آنها شده است به نام «پزشکی خیابانی»

ترجمه: رقیه بهشتی

«جیم ویزرز» مانند یک فرد بی خانمان لباس می پوشد. او هفته‌ای دو تا سه بار تعمداً و با هدفی خاص لباس بی خانمان‌ها را به تن می کند. موهایش را خاکی و لباس‌هایش را گِلی می کند و قدم به خیابان‌های تاریک شهر پیتسبورگ می گذارد. او دنبال آدم‌هایی می رود که در این مدل لباس پوشیدن الگویش بوده‌اند. ویزرز امروز با آدم‌هایی در ارتباط است که قبلاً هیچ گاه توجهی به آنها نداشت و همواره بی تفاوت از کنارشان می گذشت. او می گوید: «وقتی بار اول زیر پوست شهر فرورفتم، از دیدن این همه آدم بیمار و مفلوک در خیابان‌ها واقعاً شوکه شدم. انگار در خیابان‌های یک کشور جهان سوم راه می رفتم. جوان، پیر، بیماران روانی، بچه‌های فراری، زنانی که قربانی خشونت خانگی بودند، معلولان و... این آدم‌ها همه جا دیده می شدند. همه آنها داستان غم انگیز زندگی خودشان را داشتند.»

بی خانمانی هزینه زیادی را به سیستم سلامت هر کشوری تحمیل می کند. آدم‌های بی خانمان عمدتاً بیمارند و از آنجاکه بیماری‌شان مدت‌ها درمان نشده، مزمن شده است. ویزرز ۲۳ سال است که به درمان بی خانمان‌ها در خیابان‌ها، زیر پل‌ها و کنار رودخانه‌ها می پردازد. او می گوید: «ما فهمیدیم که می توانیم دراین باره کاری انجام بدهیم. از همین رو، سیستم «تماس با خانه» را راه انداختیم.» پدر ویزرز پزشکی محلی بود و از این سیستم برای درمان چنین بیمارانی استفاده می کرد. سیستم دکتر ویزرز حالا به برنامه‌ای جامع برای شهر تبدیل شده است. از سال ۱۹۹۲ تا امروز، بیش از ۱۰ هزار بیمار از طریق این سیستم شناسایی و درمان شده‌اند. بیش از ۱۲۰۰ نفر از آنها نیز از زندگی در خیابان رها شده و به خانه‌های مناسب انتقال یافته‌اند.

علاوه بر این، او با یک ماشین «ون» در شهر می گردد و به بی خانمان‌ها خدمت رسانی می کند. جنبشی جهانی که دکتر ویزرز با عنوان «پزشکی خیابانی» راه انداخته است، روز به روز فراگیرتر می شود. مؤسسه غیرانتفاعی «پزشکی خیابانی» که اوبانی‌اش بوده، به جوامع مختلف کمک می کند تا این برنامه را آغاز کنند. شبکه کاری او شامل تیم‌های مختلفی در ایالات متحده امریکا و بقیه کشورهای جهان است. ویزرز به برخی سؤالاتی که خبرنگار سی‌ان‌ان از او درباره این جنبش کرده، پاسخ داده است که می خوانید.

■ باوجود جابه‌جایی مداوم بی خانمان‌ها، چگونه به آنها خدمات رسانی می کنید؟

این چالش مهمی است. چون پاتوق‌های بی خانمان‌ها جای ثابتی ندارد. افراد بی خانمان معمولاً از خیابان‌ها رانده می‌شوند تا جلوی دید نباشند. برای همین، بیشتر اوقات در حال حرکت هستند. در نتیجه، ما هم مجبوریم در حال حرکت باشیم تا پاتوق‌های آنها را پیدا کنیم. ما معمولاً در گروه‌های چهار نفری در شهر حرکت می کنیم و به پاتوق‌های آنها سر می زنیم. دوست نداریم با حرف‌های نابجا و درس اخلاق و شلوغ کردن، آرامش آنها را به هم بزنیم، چون به هر حال آنجا خانه آنهاست. علاوه بر این، همیشه فردی را که با محله آشناست و مردم آن منطقه را می شناسد با خودمان می بریم. معمولاً خودم یا یک پزشک متخصص همراه با یک یا دو دانشجو او را همراهی می کنیم، البته باید بگویم که یک مددکار اجتماعی هم ما را همراهی می کند. ما به پاتوق‌های آنها می رویم و اول مطمئن می شویم که از حضور ما ناراحت نشوند و فکر نکنند که برای آزار آنها آمده‌ایم. معمولاً تمام بی خانمان‌ها صمیمی هستند، البته نه اینکه واقعاً همگی دوستانه رفتار کنند. رفتارشان هم کاملاً طبیعی است، چون باید اعتماد کنند. بعد تلاش می کنیم وضعیت پزشکی آنها را بررسی کنیم. مثلاً سؤال می کنیم که تحت پوشش بیمه هستند یا نه (که معمولاً نیستند) از داروهایی که مصرف می کنند سؤال می کنیم. اینکه آیا تحت نظر پزشک هستند؟ آیا به طور مرتب برای ویزیت می روند؟ اولویت ما در اینجا شخص بیمار است. خدماتی که در وهله اول در این پاتوق‌ها ارائه می دهیم، بستگی به امکاناتی دارد که در کوله پشتی با خودمان آورده‌ایم. ما سعی می کنیم به آنها بفهمانیم که این درمان کافی نیست. هدف ما در این مرحله ارائه مراقبت‌های اولیه به آنهاست.

> بی خانمان ها در معرض خطرات و بیماری‌های مختلفی قرار دارند و درصد آسیب‌پذیری‌شان نیز خیلی بیشتر است. برای همین، با توجه به شرایط متغیر آب و هوا و مشکلات فراوان خوابیدن در فضای باز، بیماری‌های مبتلابه مختلفی بین آنها مشاهده می‌شود: سرمازدگی، کمبود آب بدن، هیپوترمی (کاهش غیر طبیعی دمای بدن) و...

■ دراین پاتوق‌ها با چه بیماری‌هایی روبه‌رو می‌شوید؟

این موضوع کاملاً واضح است که افراد بی خانمان و به طور کلی آنهایی که در خیابان زندگی می کنند، در معرض خطرات و بیماری‌های مختلفی قرار دارند و درصد آسیب‌پذیری‌شان نیز خیلی بیشتر است. برای همین، با توجه به شرایط متغیر آب و هوا و مشکلات فراوان خوابیدن در فضای باز، بیماری‌های مبتلابه مختلفی بین آنها مشاهده می‌شود: سرمازدگی، کمبود آب بدن، هیپوترمی (کاهش غیر طبیعی دمای بدن) و... اما مشکلات دیگری نیز وجود دارد که در بدن آنها ریشه دوانده و به جزئی از آنها تبدیل شده است: فشار خون بالا، دیابت، سرفه و سرماخوردگی، ذات الریه و انواع مصدومیت‌ها.

ما افرادی مبتلا به سرطان را در این پاتوق‌ها دیده‌ایم. آدم‌هایی دیده‌ایم که از نارسایی کبد رنج می‌برند. بیماران دیالیزی که خدمات مربوطه را در خیابان دریافت می‌کردند و در واقع در خیابان دیالیز می‌شدند و... این شرایط اسفبار و ناراحت‌کننده همین طور ادامه داشت.

تقریباً هر نوع بیماری و مرضی که در کلینیک با آن رو به رو شده بودم، در بین بی خانمان‌ها هم دیدم. حتی در خیابان‌ها با بیماری‌هایی مواجه شدم که تا به حال ندیده بودم. شاید از این حرف من تعجب کنید: خیابان‌ها و افراد بی خانمان، محیطی غنی برای آموزش پزشکی محسوب می‌شوند.

■ مطابق با اظهارات شما، خیابان‌ها نوعی کلاس برای دانشجویان پزشکی محسوب می‌شود. از تجربه‌های آنها برایمان بگویید؟

آنها می بینند آدم‌های بسیاری در شهرشان وجود دارد که در خیابان‌ها و مکان‌هایی زندگی می کنند که خودشان هرگز حاضر نیستند در آنها قدم بگذارند. آنها آدم‌هایی را می بینند که تغییرات آب و هوا، باران و برف، سرما و گرما را تحمل می کنند. البته آنها این فرصت را هم پیدا می کنند تا موفقیت بی خانمان‌ها را ببینند. وقتی فرد بی خانمانی تلاش می کند و خودش را از چنین شرایط ناامیدکننده‌ای نجات می دهد، نگاه آنها هم تغییر می کند و این درس بسیار مهمی است.

کلاس‌های خیابانی واقعاً نگاه‌ها را تغییر می دهد البته به هیجان و علاقه فرد هم بستگی دارد. آنها می گویند: «پس شرایط این طور است.» همین باعث می‌شود تا هم بیشتر تلاش کنند و هم به پیشرفت خود و اجتماع‌شان فکر کنند. به نظر من، درس‌هایی که افراد بی خانمان می‌توانند درباره انسانیت و گوش دادن به حرف‌های آدم‌ها به بقیه بدهند، بسیار برتر و مهم‌تر از درمان‌های پزشکی است که ما در اختیارشان قرار می دهیم. این واقعیت مهم و غیرقابل انکاری است.

من دوست دارم که فکر کنم دانشجویانم مثل ویروس هستند. ما آنها را برای گذراندن دوران رزیدنتی به مکان‌های مختلف می فرستیم و به نوعی آنها را در خیابان‌ها پخش می کنیم. در آنجاست که آنها می پرسند: «آیا اینجا پزشکی خیابانی وجود دارد؟» یا «پزشکان شما چرا سری به زیر پل‌ها نمی‌زنند؟» این سؤالات و گفت‌وگوها واقعاً در حال گسترش است. رسیدن به چنین هدف و بسط چنین نگاهی واقعاً ارزشمند است.

■ چه آرزویی برای آینده دارید؟

«خب مهم‌ترین آرزویم برای آینده این است که تمام افراد بی خانمان از مراقبت‌های پزشکی مناسب و کافی بهره‌مند شوند. اینکه به آنها بگوییم: «شما برای ما مهم هستید». خیلی دوست دارم روزی را ببینم که تمام دانشکده‌های پزشکی، واحد درس «پزشکی خیابانی» دارند و درس پزشکی خیابانی را به دانشجوها آموزش می‌دهند. این موضوع خیلی مهمی است و نتایج آن به نفع تمام افراد آن شهر و جامعه است. گذشته از خدماتی که به بی خانمان‌ها می‌شود و پولی که از این طریق در سیستم سلامت کشور باقی می‌ماند، پزشکی خیابانی جوامع ما را متحول می کند و این فوق‌العاده است. ما با این روش یاد می گیریم که در کنار هم باشیم و می فهمیم که می‌توانیم دست به دست هم بدهیم و مشکلات را حل کنیم. «ما آدم‌ها باید طوری با دیگران رفتار کنیم که دوست داریم با خودمان رفتار شود؛ هدف پزشکی خیابانی دقیقاً عمل کردن و مصداق بخشیدن به این جمله است.»

نیم نگاه

او هم می توانست مثل بسیاری از همکاران و هم صنفانش، هر روز صبح دوش بگیرد و لباس شیکی به تن کند و کراوات خوشرنگی ببندد و در کلینیک محل کارش حاضر شود و بی دغدغه کارش را بکند و پول درآورد. اما او دغدغه‌های ارزشمند انسانی اش را مرجح بر یک زندگی بی دغدغه می داند. دکتر جیم ویزرز، لباسی مبدل می پوشد و به بیغوله‌های شهر پیتسبورگ در ایالت پنسیلوانیا می رود و سعی می کند مرهمی بر درد بی خانمان ها باشد. او با همین خدماتش همچون آمبرلا پزشکانی را که چون خود او می خواهند کاری برای محرومان انجام دهند، جذب کرده و بنیانگذار جنبشی شده است به نام «پزشکی خیابانی»؛ فعالان این جنبش نه تنها با خدمات خود به بی خانمان‌ها به وظیفه انسانی خود عمل می کنند، بلکه از این طریق به سیستم سلامت کشور نیز کمک می کنند و کل جامعه منتفع می شود.

قصه زنی که زندگی روزمره و طبیعی مردم دمشق را زیر سایه هولناک جنگ به تصویر می کشد

«آدم های دمشق» پیش چشم جهانیان

عکس ها: رادیا کاتف

ترجمه: رویا پرویني

کشور سوریه چند سالی است درگیر جنگ ویرانگری شده که زندگی مردم این کشور را تحت تأثیر خودش قرار داده است؛ جنگی که امروز اوج آن را در شهر حلب شاهد هستیم. مناره‌ها نابود شده‌اند، تعداد زیادی از آثار باستانی با خاک یکسان شده‌اند و آدم‌های زیادی آواره یا کشته شده و جان‌شان را از دست داده‌اند. در یکی از محله‌های قدیمی شهر دمشق، پایتخت سوریه، کوچه‌های باریک و پیچ در پیچی وجود دارد که در گوشه‌ای از آن پیرمرد نوازنده‌ای عود می‌نوازد و در گوشه دیگرش، صنعتگری میزی چوبی را منبت کاری و تزئین می‌کند.

«رادیا کاتف» دختر ۳۱ ساله سوری با وجود جنگی که سوریه را دربرگرفته، دوست دارد زیبایی‌های کشورش را به بقیه آدم‌های جهان نشان بدهد. او با دوربینش در خیابان‌های دمشق راه می‌رود و تلاش می‌کند نقطه به نقطه پایتخت کشورش را ثبت کند و به بقیه جهانیان نشان بدهد.

او با الهام از صفحه «آدم‌های نیویورک» در فیس بوک، صفحه «آدم‌های دمشق» را در این شبکه اجتماعی راه انداخته تا غیر از تصاویر عریان خشونت و ویرانه‌های شهرهای دیگر کشورش، مردم با زندگی و فرهنگ و آداب و رسوم مردم سوریه نیز آشنا شوند. او هر روز پرتره‌ای از ساکنان پایتخت در بازار و همچنین تصاویر جدید و قدیمی از مغازه‌ها و نقاط مورد علاقه‌اش را در صفحه‌اش به اشتراک می‌گذارد. او اعتقاد دارد یکی از راه‌های یادآوری تاریخ و فرهنگ مردم سوریه به جهانیان ثبت همین عکس هاست.

او به خبرنگار سی‌ان‌ان می‌گوید: «من از چیزهای منفی فاصله می‌گیرم. من نسبت به مردم دمشق احساس دِین می‌کنم. بسیاری از این آدم‌ها فراموش شده و از آنها قدردانی نمی‌شود. برای مثال، صنعتگران را در داخل کشور مانند سازندگان قاشق چوبی و در خارج مانند پناهندگان بالقوه می‌بینند.»

پرتره مورد علاقه رادیا، «جاسم کاتبول» است که به گفته کاتیا ۱۰۰ سال را گذرانده است. او می‌گوید: «این مرد بیش از ۱۰۰ سال است در دمشق زندگی کرده و احتمالاً خیلی بیشتر از ما با کوچه پس کوچه‌های این شهر آشناست. او مطمئناً راه حل خیلی از مشکلات را می‌داند.» رادیا کاتف که در رشته صنایع غذایی تحصیل کرده، عکاسی را به‌عنوان سرگرمی از چند سال پیش شروع کرده است. او دوست ندارد به‌عنوان یک عکاس برچسب بخورد، بلکه دوست دارد «مستندنگار» مردم و صنعتگران شهرش باشد. می‌گوید: «در کشور سوریه، اگر به مردم بگویید عکاس هستید، آنها فکر می‌کنند شما از مراسم عروسی عکس می‌گیرید. برای همین دوست ندارم نامم را عکاس بگذارند.»

رادیا کاتف می‌گوید، اجازه عکاسی از داخل مساجد را از وزارت اوقاف سوریه و از مکان‌های باستانی دیگر را از سازمان آثار باستانی گرفته است.

او اضافه می‌کند: «من انسانی بسیار اجتماعی هستم. قبل از اینکه از آنها بخواهم درباره زندگی خصوصی‌شان حرف بزنند، می‌دانم چه جوری آنها را آرام کنم که به من اعتماد کنند. می‌توانم ساعت‌ها کنارشان بنشینم و با آنها چای بخورم. در وسط همین حرف‌ها با داستان زندگی‌شان هم آشنا می‌شوم. در جاهایی از شهر هم که امنیتی است از سربازها اجازه می‌گیرم.»

رادیا می‌گوید، بعضی آدم‌ها از او انتقاد می‌کنند که روی موضوعاتی تمرکز می‌کند که ارتباطی با واقعیت‌های این کشور درگیر جنگ ندارد. وقتی او عقایدش را با منتقدان در میان می‌گذارد، آنها عصبانی‌تر هم می‌شوند.

او به خبرنگار ما می‌گوید: «برای من، خون همه مردم سوریه ارزشمند است. اما وقتی این حرف را با صدای بلند می‌گویم، آنها مرا متهم می‌کنند که در دنیایی خیالی زندگی می‌کنم. آنها می‌گویند اینجا جنگ است و من باید یک طرف را انتخاب کنم.»

از آغاز درگیری‌های سوریه از سال ۲۰۱۱، صدها هزار نفر کشته شده و میلیون‌ها نفر نیز آواره شده‌اند.

بسیاری از سایت‌های ثبت شده در میراث جهانی یونسکو یا آسیب دیده یا کاملاً تخریب شده‌اند. یکی از این مکان‌های تاریخی شهر «پالمیرا» است که موزه‌ای در فضای باز بود و در ۳۵۰ کیلومتری شهر دمشق قرار داشت. مکان تاریخی دیگر مسجد جامع حلب بود که در دوره اموی تأسیس و در قرن دوازدهم بازسازی شده بود.

> کاتف با الهام از صفحه «آدم‌های نیویورک» در فیس بوک، صفحه «آدم‌های دمشق» را در این شبکه اجتماعی راه انداخته تا غیر از تصاویر عریان خشونت و ویرانه‌های شهرهای دیگر کشورش، مردم با زندگی و فرهنگ و آداب و رسوم مردم سوریه نیز آشنا شوند

رادیا می گوید جنگ به مردم یاد داده که برای تاریخ و آثار باستانی کشورشان ارزش قائل باشند، چون خیلی از آنها را از دست داده‌اند.

آخرین حرف کاتف این است: «درباره تاریخ شهرمان باید بدانیم تا بتوانیم پس از پایان جنگ مکان‌های تاریخی آسیب دیده را دوباره بازسازی کنیم. حلب قبلاً و در طول تاریخ نیز سه بار ویران شده و دوباره بازسازی شده است. برای همین امیدواریم دوباره شهر را زنده کنیم. ما کشورمان را دوست داریم.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۲۴۴۲

آسان

۷				۲			۹	
	۸	۶	۷		۹		۱	
۲					۵			
		۲	۵				۸	۱
		۸				۶		
۹	۵				۱	۲		
			۶					۹
	۱		۲		۴	۵	۶	
	۶			۱				۴

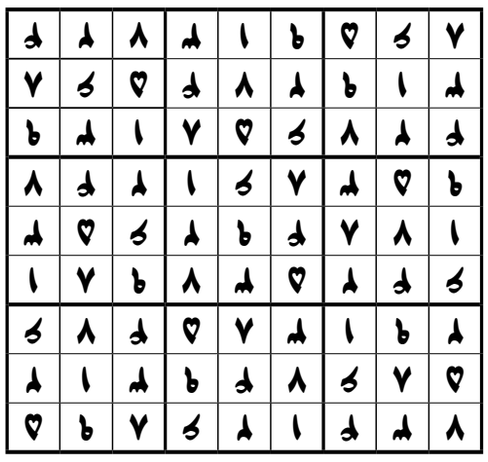

متوسط

						۸		
	۳	۸	۱		۹		۷	۵
				۵		۶		
					۵	۱	۹	
۲								۳
	۸	۶	۷					
		۷		۳				
۸	۱		۶		۴	۳	۲	
		۲						

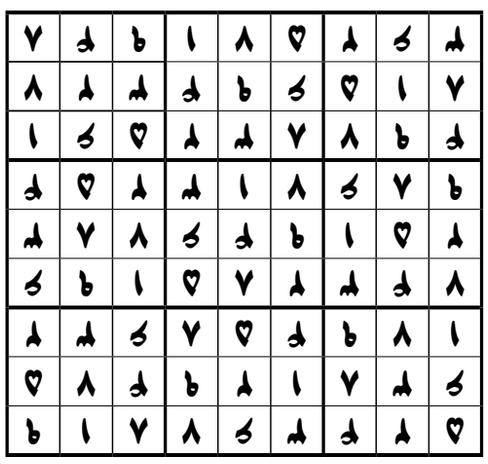

سخت
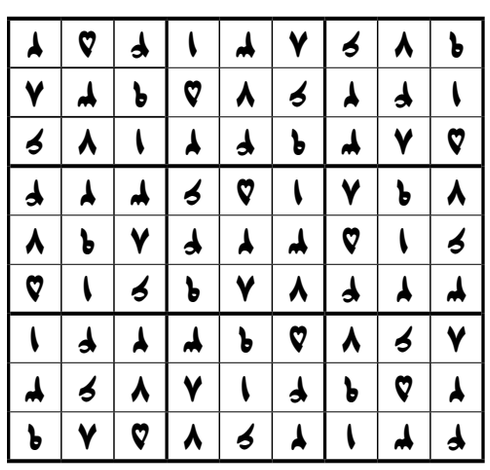
			۲			۵		
			۴	۱		۷		
۸					۳	۲		
				۸			۱	
		۵	۳		۴	۸		
	۹			۵				
		۳	۹					۶
		۲		۷	۵			
		۶			۱